



حاشیه نشینی در جهان

زهره عالی پور^۱

چکیده

حاشیه نشینی پدیده‌ای است که با اسکان غیررسمی و بدون مجوز گروه بزرگی از مردم که در مکانی در کناره شهرها ایجاد می‌شود. حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است که ریشه در ادوار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد و امروزه به صورت معضلی شهری خود را نشان می‌دهد. زیرا بین پدیده و جرائم و مسائل اجتماعی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و آمار جرمی چون سرقت، اعتیاد و انحرافات اجتماعی بیشتر در این مناطق از شهر رخ می‌دهد.

این در حالی است که حاشیه نشینان شهری با جایگاه شهروندی، فاصله زیادی دارند ولی می‌توانند شهروندان آینده حتی به صورت تدریجی و... باشند.

اصطلاح حاشیه نشینی یا زاغه نشینی و... در کشورهای در حال توسعه به محلات فقیر نشینی اطلاق می‌شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده کنند.

حاشیه نشینان در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرانی تشکیل می‌شوند که به دلیل پائین بودن سطح مهارت های فنی و فقدان سرمایه کافی، زندگی حاشیه ای را برگزیده‌اند. فقر اقتصادی، بالا بودن میزان جرایم و کمبود خدمات زیربنایی، پائین بودن سطح سواد، واحدهای مسکونی فرسوده و... از خصوصیات مشترک مناطق حاشیه نشینی به شمار می‌روند.

مناطق حاشیه نشین در برگزیده جغرافیایی مشخص هستند که ناهنجاری های اجتماعی به لحاظ از بین رفتن ارزش های انسانی در حاشیه شهرها به سرعت پرورش می‌یابد و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا در آنجا پیش از متن اصلی شهر دیده می‌شود. حاشیه نشینی که خود (معلول گسترش شکاف طبقاتی، شد بی رویه شهر نشینی و مهاجرت به شهرهای بزرگ است، از جهات متعددی موجب شیوع بزهکاری، انحرافات و عوارض ناشی از آنها می‌شود. پدیده حاشیه نشینی مقوله پراسیایی از سطح جامعه شناسی شهری است. اما این در حالی است که آمار قطعی درباره حاشیه نشینان وجود ندارد. ولی آنچه مسلم است این آمار در سراسر جهان در حال افزایش است. آنچه در پی می‌آید، گذری است بر مسأله حاشیه نشینی در جهان.

از سالهای ۱۹۵۰ بحث های مرتبط با حاشیه نشینی در جهان و به خصوص جهان سوم بصورتی گسترده مطرح شد. تحلیل های متفاوت و راهکارهای گوناگونی در این رابطه ارائه شد. اما هیچ یک از تجارب جهانی ۵۰ سال اخیر منجر به حذف حاشیه نشینی نشدند. تنها در جوامع فراصنعتی حاشیه نشینان شهری دهه های ۵۰ و ۶۰ جای خود را به رانده شده های قافله توسعه دهه ای ۸۰ و ۹۰ دادند در کشورهای جهان سوم مهار و ساماندهی حاشیه نشینی همچنان از بحث های مطرح آغاز هزاره سوم است. در ده سال آینده (یعنی ۲۰۲۰) رقم کل حاشیه نشینان شهری جهان تقریباً به ۱۴۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت، میزان افزایش کشورهای صنعتی ثروتمند در این مدت حدود پنج میلیون نفر و حجم جمعیت آلودگ نشین جهان در حال توسعه به رقم ۱۳۵۵ میلیون نفر خواهد رسید که از این تعداد حدود ۷۵ میلیون نفر از آن کشورهای غرب آسیاست.

واژه های کلیدی: حاشیه نشینی - جهان، آمریکا - خاورمیانه

^۱ - دانشجوی دکترا اقتصاد



۱- حاشیه نشینی در اروپا

حاشیه نشینی در ابتدا در بین اروپائیان بوجود آمد که از لحاظ زبان یا مذهب متفاوت از دیگران بوده‌اند [۲] آنچه که باید به آن اشاره نمود اینکه در کشورهای اروپایی حاشیه نشینی ریشه در مهاجرت‌های روستائی نداشته بلکه ریشه در اختلافات قومی و مهاجرت جمعیت کشورهای در حال توسعه به این مناطق دارد. در حال حاضر حاشیه نشینی در کشورهای اروپائی از مهاجرت‌های ناشی از بیکاری جهت پیدا کردن کار از طرق مهاجرین کشورهای جهان سوم می باشد به طوریکه این افراد به صورت قانونی یا غیرقانونی به کشورهای اروپائی وارد شده و به دلیل نداشتن تابعیت در این کشورها و عدم پذیرش آنها به عنوان شهروند در شرایط بد اقتصادی و اجتماعی بسر می برند زیرا با بیکاری و عدم اشتغال مواجه می شوند. [۱]

۲- حاشیه نشینی در ایالات متحده آمریکا

اگر طبق تعاریف، حاشیه نشینان را افرادی در نظر بگیریم که بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قومی و مذهبی نتوانستند جذب جامعه شهری شوند در آمریکا به ۳ گروه عمده بر می خوریم که جزء حاشیه نشینان به شمار می روند.

۲-۱- سرخ پوستان

در طول قرون گذشته یعنی از سال ۱۴۹۲ میلادی که قاره آمریکا به دست کاشف بزرگ اروپائی کریستف کلمب کشف شد، بین ساکنین اولیه آن مناطق یعنی سرخ پوستان با سفید پوستان درگیری هائی به وجود آمد که بالاخره سفید پوستان در این جنگها پیروز شدند. فاتحان سفید پوست به منظور توجیه حذف فیزیکی سرخ پوستان به دست آویز ستیزه جویی هائی که خود مستقیم یا غیرمستقیم آن را دامن می زدند، افسانه وحشیان خطرناک را می آفریدند و به قتل عام آنها می پرداختند، تا اینکه به رسمیت شناختن سرخ پوستان به لحاظ قانونی و قبول محلی در ساختار حقوقی حکومت برای آنان به آغاز قرن حاضر می رسد. با این وجود قوانین مربوط به حقوق سرخ پوستان روزگاری دراز آمیخته با تضاد و تردید بوده تا اینکه در سال ۱۹۲۹ به سرخ پوستان حق تابعیت ایالات متحده داده شد.

آنچه که مسلم است اینکه بخش بزرگی از کسانی که به عنوان سرخ پوست سرشماری شده اند در حدود ۸۰۰۰۰۰ تا ۱/۵ میلیون نفر بوده که از زندگی شهری حذف شده اند. سرخ پوستان با بدترین شیوه های زیست مواجه هستند و همانند گردی و فرهنگ پذیری آنها در ناگوارترین شرایط صورت می گیرد، یعنی در اثر شرایط محرومیت از هر وسیله ای که آنان به یاری ان بتوانند حضور خود را به عنوان یک شهروند مورد تأکید قرار دهند.

۲-۲- سیاه پوستان

سیاه پوستان که ۲۹/۵ میلیون نفر یعنی ۱۱/۵ درصد جمعیت ایالات متحده آمریکا را تشکیل می دهند به اجبار از طریق کشتی استعمارگران به این قاره آورده شدند ولی با گذشت زمان می توان گفت نسلهای جدید این اقلیت خود را مردمی بدون تاریخ و بدون هویت می دانند زیرا نه جامعه آمریکا آنها را می پذیرد و نه تعلق به سرزمین اجدادی خود دارند. آنچه مسلم است اینکه پس از گذشت دورانها و مناقضات فراوان مطالعاتی از جهت برابر سیاسی بین آنها حاصل گردیده ولی دو مشکل بزرگ همچنان باقی مانده یکی جدائی نژادی که کمی با مرور زمان تخفیف یافته و دیگری



بیکاری، از دیگر تحقیقاتی که بر این اقلیت نژادی وارد آید ممنوعیت ازدواج آنها با سفید پوستان، بی نصیب ماندن از شرایط مطلوب آموزشی و در نتیجه پرورش نیروی کار غیرماهر و وجود مشکلاتی چند در زمینه اشتغال تا جائیکه بیکاری در میان جوانان سیاه پوست بصورت اسفباری درآمده است. در شهر بزرگ در آمریکا یک یا چند منطقه سیاهپوست نشین وجود دارد بزرگترین و مشهورترین از این میان بندر نیویورک و منطقه هارلم است که ابتدا متعلق به ایتالیایی ها و یهودیان بوده که پس از ترک محل توسط این افراد محلی سکونت سیاهان شده است. از دیگر کشورهای دیگر می توان از شیکاگو و محله سیاهپوست نشین ساوت ساید با بیش از یک میلیون نفر نام برد که جزء کثیف ترین محلات محسوب می شود در محلات یاد شده فقر بسیار عادی است و انبوه بی شماری از کارگران غیر ماهر بیکاران و مهاجران درهم می لولند و در ارتکاب جرائم و آلودگی و اعتیاد و فحشا و انزجار سفید پوستان را پیش از هر زمانی دیگر نسبت به آنان دامن می زند و تنها درصد کمی از آنها به مشاغل متوسط ارتقاء یافته اند.

۳-۲- اسپانیایی زبانها

این گروه اقلیت اسپانیایی زبان از نظر تعداد اگر چه به اندازه سیاهان بوده اند اما کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته اند زیرا خود را نتوانسته اند تا حدودی در صحنه اقتصادی و سیاسی ایالات متحده و امور داخلی آمریکا وارد سازند این اقلیت ناهمگن تر و جدیدتر از سیاهان می باشد بر اساس آمار تعداد اسپانیایی زبانها در ایالات متحده به ۲۰ میلیون نفر می رسد که بیشتر آنها در ایالات های نوادا-یوتا-آریزونا-کلرادو-نیومکزیکو و سراسر کالیفرنیا پراکنده شده و مساحتی برابر دو میلیون کیلومتر مربع را دربر گرفته اند عمده ترین آنها مرزنشینان جنوبی هستند که دارای فرهنگ اسپانیایی با اصلیتی مکزیکی در آمریکا سکونت دارند گروه دیگر اقلیتهای پورتوریکوییها می باشند که عمدتاً در شهر نیویورک ساکن و در سال ۱۹۸۰ تعداد آنها ۱/۵ میلیون نفر سرشماری شده است که دارای اصلیتی از دومینیکن و جزایر کارائیب می باشند سومین گروه اقلیتهای پناهندگان کوبایی می باشند که تعداد آنها در سال ۱۹۸۰ یک میلیون نفر تخمین زده شده است. [۱]

۳-۴- حاشیه نشینی در کشورهای سوسیالیستی

حاشیه نشینی در کشورهای سوسیالیستی بنا به دلایل زیر چنان محسوس نبوده ولی با توجه به افزایش جمعیت شهر در این دوره امکان ایجاد پدیده های آن چندان معین نیست.

۱- توجه به توزیع ثروت و امکانات در سر تا سر کشورها و توجه به تمامی نواحی کشور و در نتیجه جذب جمعیت توسعه ایجاد امکانات و اشتغال در مناطق مختلف و جلوگیری از مهاجرت به شهرها

۲- ایجاد شهرهای جدید که توانسته نیروی انسانی مناطق مختلف و جلوگیری از مهاجرت به شهرها کند.

۳- ساخت شهرها به صورتی که سعی شده با توجه به گسترش و اختیار قرار گرفتن برای تمام افراد و عدم بوجود آوردن تباین اجتماعی و طبقاتی.

۴- توجه به ساخت و نوسازی مراکز شهری و در نتیجه جلوگیری از اسکان افراد کم درآمد و بیچاره در این مناطق.

۵- ایجاد و پیش بینی سطوحی از اراضی شهر به صورت اراضی ذخیره جهت ساخت و ساز شهر برای سالهای آینده و امکان جمعیت در این مناطق برای سالهای آتی.



۵-۲- حاشیه نشینی در خاورمیانه

از دهه ۱۹۱۹ میلادی به بعد سهم جمعیت ساکن در مناطق شهری خاورمیانه به شدت افزایش یافته و حتی پس از جنگ جهانی دوم سرعت نیز گرفته است برای سهولت بحث به چهار علت اصلی این امر اشاره می‌کنیم:

- ۱- تمرکز اقتصادی در یک شهر
- ۲- کشمکشهای سیاسی داخلی
- ۳- تغییرات در الگوی سیاست و تجارت خارج(وروابط کورکورانه با کشورهای صنعتی).
- ۴- استخراج نفت.[۳]

عمده ترین علت حاشیه نشینی در خاورمیانه مهاجرت روستائیان به شهرها می باشد، در این کشورها از دست دادن جوانان و گروههای سنی فعال اقتصادی در اثر مهاجرت به کمبود حاد نیروی انسانی در بخش کشاورزی انجامیده و لذا زمینها بایر رها شده و میزان محصول کاهش یافته است و در کنار مهاجرت نیز کشف نفت و درآمد حاصل از آن در شهرها سرمایه گذاری شده که خود باعث جذب آلونک نشینان نواحی شهر می باشد.[۳] بیش از ۲۴ هزار واحد مسکونی رو به ویرانی در نواحی حاشیه نشین شهرهای ترکیه وجود دارد. در حدود ۵۴ درصد جمعیت شهر آنکارا در مناطق حاشیه ای شهر با استاندارد پایین زندگی می کنند. شهر بغداد در حدود ۶۰ هزار و شهر بصره ۲۰ هزار نفر حاشیه نشین دارد.[۵] در بخش های دیگر خاورمیانه نیز معضل حاشیه نشینی بچشم می خورد.

۳- نتیجه گیری:

حاشیه نشینی در سراسر جهان دارای مشخصات فیزیکی و ویژگی های اجتماعی و فرهنگی بیش و کم یکسانی است از جمله منطقه واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها، تسلط فرهنگ فقر در منطقه، جدایی گزینی توده ای از جامعه شهری، شهرک های چپیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی، گوشه گیری مردم منطقه از زندگی شهری، مهاجرت و سکونت بخشی از مردم به حاشیه شهری. این شرایط فضایی بوجود می آورد که در آن بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ جامعه ناهنجار و یا غیرعادی تلقی می شود، در این مکان ها عادی بشمار آید در جوامع گوناگون با انجام پژوهش های بین رشته ای، راه حل های متفاوتی برای رفع این معضل پیشنهاد می نمایند.

۴- منابع و مأخذ

- ۱- بررسی و مفهوم تئوری حاشیه نشینی در جهان
 - ۲- پیران، پرویز، سلسله مقالات حاشیه نشینی، اصلاحات فرهنگی، ۱۳۶۶
 - ۳- پیران، پرویز، شهرنشینی در خاورمیانه
 - ۴- معاونت سیاسی- امنیتی استانداری تهران، مناطق آسیب‌زا و بحران‌زا
- 5- Iran Student corresp on dent Associa Tion-JnFo@ISCA News.Ir

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.